

ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی در سه نمونه ایرانی

۱. پگاه نجات*، ۲. جواد حاتمی

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران

(تاریخ وصول: ۹۷/۰۵/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۴)

Psychometric Properties of the Persian Version of Moral Foundations Questionnaire in Three Iranian Samples

1. Pegah Nejat*, 2. Javad Hatami

1. Assistant Professor of Psychology Group, Shahid Beheshti University, 2. Associate Professor of Psychology Group, Tehran University.

(Received: Aug. 16, 2018 - Accepted: Dec. 15, 2018)

Abstract

Introduction: Moral judgment is one of the subjects studied in social cognition. Moral Foundations Theory (MFT) is a recent theory in moral psychology which has an intercultural and intuitive approach to moral beliefs of people around the world. The current study is concerned with examining psychometric properties of a Persian version of the questionnaire associated with this theory, and comparing findings with available reports from the original version as well as other cultures. **Method:** Data are provided by three studies on Iranian samples: Golkar (2016) and phases II and III of Nejat (2016), with 280, 314, and 180 participants respectively, who responded to Moral Foundations Questionnaire (MFQ-30). Calculations of Cronbach alphas, as well as exploratory and confirmatory factor analyses were conducted and comparisons were made between genders in reliance on foundations. **Results:** Cronbach alphas for care, fairness and loyalty were relatively low and generally lower than obedience and sanctity. Exploratory factor analysis has led to a three-factor solution in phase II of Nejat (2016), and two-factor solutions in Golkar (2016) and phase III of Nejat (2016). Fit of data to the correlated five-factor model was acceptable. Women scored higher than men in care, fairness, and sanctity. **Conclusion:** Psychometric properties of the Persian MFQ, though not perfect in some respects, were comparable to those reported by other cultures, and therefore seem to be mainly caused by the complex nature of morality itself. Observed gender differences were similar to international findings and thus supportive of the known-groups validity for this questionnaire.

Keywords: Moral Psychology, Moral Foundations Theory, Moral Foundations Questionnaire, Validity, Iranian.

چکیده

مقدمه: قضاوت اخلاقی از موضوعات مورد مطالعه در شناخت اجتماعی محسوب می‌شود. نظریه بنیادهای اخلاقی نظریه‌ای اخیر در روان‌شناسی اخلاق است که رویکردی میان‌فرهنگی و شهودگرایانه به باورهای اخلاقی مردم جهان دارد. مطالعه حاضر به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه مرتبط با این نظریه و مقایسه یافته‌ها با گزارش‌های موجود از نسخه اصلی و سایر فرهنگ‌ها اختصاص دارد. روش: داده‌ها مربوط به سه مطالعه روی نمونه‌های ایرانی هستند: گلکار (۱۳۹۴) و مراحل دوم و سوم نجات (۱۳۹۵)، که دارای به ترتیب ۲۸۰، ۳۱۴ و ۱۸۰ شرکت‌کننده بودند که به پرسشنامه بنیادهای اخلاقی (MFQ-30) پاسخ دادند. محاسبه آلفای کرونباخ برای تک تک بنیادهای اخلاقی و نیز تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی انجام شد و مقایسه میان‌جنسیتی در تکیه بر بنیادها صورت گرفت. یافته‌ها: آلفای کرونباخ بنیادهای مراقبت، انصاف و وفاداری نسبتاً پایین و عموماً کمتر از بنیادهای اطاعت و تقدس بود. تحلیل عاملی اکتشافی به راه حلی سه عاملی برای مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) و راه حل دو عاملی برای گلکار (۱۳۹۴) و مرحله سوم نجات (۱۳۹۵) ختم شد. برازش داده‌ها به مدل پنج عاملی همبسته قابل قبول بود. نمره زنان در مراقبت، انصاف و تقدس بالاتر از مردان بود. نتیجه‌گیری: ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی اگرچه در برخی جنبه‌ها نه چندان عالی، اما قابل مقایسه با نتایج گزارش‌شده از سایر فرهنگ‌ها بود و بنابراین به نظر می‌رسد عمدتاً معلول ماهیت پیچیده خود اخلاق باشد. تفاوت‌های جنسیتی مشاهده‌شده مشابه با یافته‌های بین‌المللی و در نتیجه حامی روایی گروه‌های شناخت‌شده برای این پرسشنامه است. واژگان کلیدی: روان‌شناسی اخلاق، نظریه بنیادهای اخلاقی، پرسشنامه بنیادهای اخلاقی، اعتبار، ایرانی.

Corresponding Author: Pegah Nejat

*نویسنده مسئول: پگاه نجات

Email: p_nejat@sbu.ac.ir

مقدمه

نوع بشر با آمادگی برای یادگیری باورهای اخلاقی و تبعیت از قوانین مبتنی بر این پنج بنیاد متولد می‌شود و بسته به (خرده) فرهنگی که فرد در آن رشد می‌کند برخی بنیادها کاملاً بالیده می‌شوند درحالیکه برخی دیگر تقریباً نهفته باقی می‌مانند، و به این ترتیب، نیمرخ اخلاقی خاص هر فرد یا گروه که بیانگر حساسیت‌ها یا ملاک‌های آن‌ها برای ارزیابی درست/غلط یا خوب/بد است بر بنیان این پنج بنیاد شکل می‌گیرد.

بنیاد مراقبت دلالت بر اهمیت دادن به رنج دیگران، کمک‌رسانی، و اجتناب از آسیب‌رساندن به افراد دارد. خیرخواهی و همدلی و از سوی دیگر پرخاشگری و خشونت‌گرایی رفتارهای مرتبط با این بنیاد هستند. بنیاد انصاف بیانگر حساسیت نسبت به نشانه‌های نابرابری، تقلب و حقه‌بازی در روابط بوده و مفاهیم عدالت، انصاف، و مقابله به مثل را در بر دارد. بنیاد وفاداری دلالت بر وظایف متج از عضویت در گروه، مانند تلاش برای انسجام و پیشرفت گروه و هشیاری در مقابل خیانت سایر اعضا به گروه دارد. ملی‌گرایی و طرفداری از تیم‌های ورزشی از تظاهرات این بنیاد هستند. بنیاد اطاعت وظایف مرتبط با جایگاه فرد در سلسله مراتب‌های اجتماعی، از جمله تسلیم و احترام در برابر افراد بالادست را شامل می‌شود. مشروعیت بخشیدن به دولت، پلیس و دستگاه قضا در این بنیاد جا دارد. بنیاد تقدس ریشه در نگرانی نسبت به آلودگی جسمی و روحی داشته و پاکیزگی، محدودیت در روابط

در موج اول مطالعات روان‌شناسی اخلاق، روان‌شناسان شناختی - تحولی نظیر پیاز و کلبرگ با بررسی استدلال‌های کلامی افراد در مواجهه با معماهای اخلاقی به مطالعه مراحل تحول درک اخلاقی پرداختند. موج دوم که به دنبال افزایش توجه به فرآیندهای خودکار در روان‌شناسی اجتماعی شکل گرفت، روان‌شناسی اخلاق را از انحصار فرآیندهای شناختی سرد و آگاهانه رها ساخته و دو عنصر هیجان و خودکاری را در قالب مفهوم شهود اخلاقی^۱ (هایت، ۲۰۰۱) به آن اضافه نمود (نجات، ۱۳۹۵)، و به این ترتیب، قضاوت اخلاقی افراد و همبسته‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی آن در زمره موضوعات مورد مطالعه در شناخت اجتماعی فرار گرفت. اتخاذ چارچوبی نظری برای توصیف و تبیین دغدغه‌های اخلاقی و اعتباریابی ابزاری برای سنجش آن‌ها گامی ضروری در راستای انجام مطالعات بومی در این زمینه محسوب می‌شود.

نظریه بنیادهای اخلاقی^۲ (هایت و جوزف، ۲۰۰۴؛ هایت و گراهام، ۲۰۰۷) شهودهای اخلاقی مردم جهان از فرهنگ‌های متنوع را بر پنج نوع‌عاساسی مراقبت/آسیب^۳، انصاف/تقلب^۴، وفاداری/خیانت^۵، اطاعت/براندازی^۶، و تقدس/تنزل^۷ دانسته و آن‌ها را بنیادهای اخلاق شمرده است. براساس این نظریه،

1. Moral intuition
2. Moral Foundations Theory (MFT)
3. Care-Harm
4. Fairness-Cheating
5. Loyalty-Betrayal
6. Authority-Subversion
7. Sanctity-Degradation

نسبت به گروه‌های اجتماعی (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱) را پیش‌بینی کرده است. گراهام و همکاران (۲۰۱۱) در نمونه‌ای وسیع در سطح بین‌المللی، تکیه زنان بر بنیادهای مراقبت، انصاف و تقدس را بیشتر از مردان، و این تفاوت‌ها را حتی بزرگتر از تفاوت‌های میان - فرهنگی یافتند.

مطالعاتی با استفاده از پرسشنامه بنیادهای اخلاقی در فرهنگ‌های مختلف انجام گرفته است (آلمان: بومن، ۲۰۱۰؛ ایتالیا: بویو، ننجینی و ساریکا، ۲۰۱۱؛ میلسی، ۲۰۱۶؛ برزیل: سیلویو و همکاران، ۲۰۱۶؛ پرتغال: آلمایدا و همکاران، ۲۰۱۵؛ ترکیه: ییلماز و همکاران، ۲۰۱۶؛ یالچینداگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ چک: ورناکا، ۲۰۱۵؛ چین: ژانگ و لی، ۲۰۱۵؛ روسیه: سایچف و همکاران، ۲۰۱۶؛ سوئد: نیلسون و ارلانسون، ۲۰۱۵؛ شیلی: بدرگال و همکاران، ۲۰۱۳؛ فنلاند: واینیو و ماکینیمی، ۲۰۱۶؛ کرواسی: میکلوچیچ، ملاچیچ و میلان، ۲۰۱۶؛ کره جنوبی: کیم، کانگ و یون، ۲۰۱۲؛ لهستان: جارماکوفسکی و جارماکوفسکا، ۲۰۱۶؛ مجارستان: هدریکس و کنده، ۲۰۱۷؛ مغولستان: التانگرل، ۲۰۱۶؛ نیوزلند: دیویس، سیبلی و لیو، ۲۰۱۴؛ هند: خان و استگنرو، ۲۰۱۵). در ایران، سیفی قوزلو (۱۳۹۱) به مطالعه رابطه تکیه خصلتی بر مراقبت، انصاف، وفاداری، اطاعت و تقدس با ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در میان معلمان شهرستان مغان و همسران‌شان پرداخت. با این حال، نظر به کامل نبودن گزارش یافته‌های اعتباریابی وی و نیز وجود ابهاماتی در برخی گزاره‌های ترجمه شده‌اش در بررسی اولیه، پرسشنامه ترجمه‌شده وی

جنسی، و ممنوعیت‌های خوراکی را شامل می‌شود. این بنیاد همچنین زیربنای فعالیت‌های مذهبی و معنوی و دور نگه داشتن روح از امیال مادی است (گراهام و همکاران، ۲۰۱۳). مراقبت و انصاف بنیادهای فردگرایانه، و وفاداری، اطاعت و تقدس بنیادهای پیوندگرایانه خوانده شده‌اند (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱). اخیراً اضافه شدن بنیاد ششمی تحت عنوان آزادی/ سرکوب^۱ به مجموعه پنج‌تایی بنیادهای اخلاقی مدنظر قرار گرفته است (ایر و همکاران، ۲۰۱۲). از منظر این بنیاد، هر گونه دخالت در زندگی افراد غیراخلاقی تلقی شده و رعایت حریم خصوصی، آزادی ابراز سلیقه و استعدادهای فردی، و حفظ مالکیت بر دارایی‌های شخصی محوریت دارد.

یکی از روش‌های رایج برای مطالعه روی بنیادهای اخلاقی خودگزارش‌دهی است که به واسطه پرسشنامه بنیادهای اخلاقی^۲ (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱) محقق شده است. نیمرخ اخلاقی حاصل از این پرسشنامه میانجی اثر ویژگی‌های فردی/ محیطی بر بازه گسترده‌ای از رفتارها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها شناخته شده است. برای نمونه، نیمرخ اخلاقی توسط ابعاد دلبستگی (کالوا و همکاران، ۲۰۱۳) و ویژگی‌های شخصیتی (هرش و همکاران، ۲۰۱۰) پیش‌بینی شده، و نوع فیلم ترجیحی (بومن، یاکل و داگرو، ۲۰۱۲)، نحوه تفکر در مورد غذاها (ماکینیمی و همکاران، ۲۰۱۳)، جهت‌گیری نسبت به مسائل روز (کالوا و همکاران، ۲۰۱۲)، و نگرش

1. Liberty-Oppression

2. Moral Foundations Questionnaire (MFQ)

دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ انتخاب شدند. در مرحله سوم نجات (۱۳۹۵)، ۱۸۰ نفر دانشجوی در دسترس دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ با میانگین سنی ۲۱/۴۷ سال ($SD = ۲/۵۸$) شرکت نمودند. نمونه گلکار (۱۳۹۴) مشتمل بر ۲۸۰ نفر (۶۰/۴٪ زن) با میانگین سنی ۲۹/۷۳ سال ($SD = ۷/۹۰$) بود که به واسطه تبلیغ انجام شده در شبکه‌های اجتماعی برای پاسخگویی مراجعه نمودند.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش: برای سنجش پنج بنیاد اخلاقی مراقبت، انصاف، وفاداری، اطاعت و تقدس از پرسشنامه بنیادهای اخلاقی ۳۰ سواله (MFQ-30) استفاده شد. گراهام و همکاران (۲۰۱۱) با ساخت و اجرای این پرسشنامه روی یک نمونه اینترنتی ۳۴۴۷۶ نفری از کشورهای مختلف، پایایی بازآزمون و اعتبار ساختار پنج عاملی آن را رضایت‌بخش یافتند. پرسشنامه با مقیاس‌های از نظر مفهومی نزدیک همبستگی داشته و الگوی تفاوت‌های میان - فرهنگی یافت شده در آن (روایی گروه‌های شناخته شده)^۱ نیز مطابق انتظار بود. آلفای کرونباخ بنیادها در پژوهش مذکور به قرار زیر بود: مراقبت ۰/۶۹، انصاف ۰/۶۵، وفاداری ۰/۷۱، اطاعت ۰/۷۴، و تقدس ۰/۸۴. این پرسشنامه از دو بخش ارتباط^۲ و قضاوت^۳ تشکیل شده است و هر بنیاد اخلاقی توسط سه گزاره در بخش ارتباط و سه گزاره در بخش قضاوت نمایندگی می‌شود. در بخش ارتباط از

توسط نجات (۱۳۹۵) در دو مرحله پژوهش ویرایش شد. سپس گلکار (۱۳۹۴) با بهره‌گیری از پرسشنامه‌ای کم و بیش مشابه با مرحله سوم پژوهش نجات (۱۳۹۵) دریافت میزان مجازاتی که افراد برای تخطی‌های اخلاقی تعیین می‌کنند توسط تکیه خصلتی ایشان بر بنیادهای زیربنای آن تخطی‌ها پیش‌بینی می‌شود. اخیراً نیز نیمرخ حساسیت‌های اخلاقی نوجوانان (ذکری و همکاران، ۱۳۹۶) و رابطه آن با سبک‌های دلبستگی به والدین و دوست مطالعه شده است (ذکری، ۱۳۹۶). نظر به اهمیت اطلاع از روایی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی برای انجام مطالعات در حوزه روان‌شناسی اخلاق در ایران، مقاله حاضر به گزارش ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه در نجات (۱۳۹۵) و گلکار (۱۳۹۴) می‌پردازد. پژوهش نجات (۱۳۹۵) بنیاد آزادی را نیز علاوه بر پنج بنیاد قدیمی‌تر مورد سنجش قرار داده است. با این حال، آزادی همچنان به عنوان نامزدی برای بنیاد بودن مورد ارزیابی بوده و هنوز به طور رسمی در پرسشنامه بنیادهای اخلاقی ادغام نشده است (نقل مکاتبه شخصی با گراهام از یالچینداگ و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، در مطالعه حاضر نیز این بنیاد جدا از سایر بنیادها مورد بررسی قرار گرفته است.

روش

گروه نمونه نهایی مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) ۳۱۴ نفر با میانگین سنی ۲۲/۱۹ سال ($SD = ۴/۳۶$) و ۵۷/۶٪ زن بودند و به شیوه در دسترس از میان دانشجویان

1. Known-groups validity
2. Relevance
3. Judgment

تحت داوری سه عضو هیئت علمی روان‌شناسی مسلط بر زبان انگلیسی قرار گرفت.

در پرسشنامه بنیادهای اخلاقی دو پرسش با هدف پایش توجه افراد در پاسخگویی و واداشتن آن‌ها به استفاده از گزینه‌های انتهایی تعبیه شده است (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱) که یکی (اهمیت ریاضی) در بخش ارتباط و دیگری (انجام کار خوب) در بخش قضاوت است و نمره آن‌ها محاسبه نمی‌شود. علیرغم توصیه سازندگان مبنی بر حذف برگزینندگان سه گزینه انتهایی نامربوط، نظر به دلایلی که پاسخگویان شفاهی مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) در پاسخ به پیگیری محقق ارائه دادند این کار انجام نشد: بنا بر تفکر قالبی رایج، آشنایی یک نفر با علم ریاضی مترادف با تبعیت وی از منطق و استدلال است و در نتیجه به عنوان ملاکی برای قضاوت در مورد درستی اعمال آن فرد قابل اتکا است. به علاوه، افراد پرسش کار خوب را بیش از حد شعاری و ایده‌آل یافته و با انتخاب گزینه‌های میانی‌تر به نوعی واقع‌گرایی خود را ابراز می‌کنند. بنابراین، تلقی نمودن بی‌توجهی به عنوان تنها عوامل این انتخاب‌ها نوعی ساده‌انگاری بوده و ملاک مطمئنی برای غربالگری به نظر نمی‌رسد.

روش اجرا: در مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) از پرسشنامه‌های کاغذی استفاده شد که ۲۵۴ نفر (۸۰/۴٪) به طور کتبی و باقی (۱۹/۶٪) به صورت شفاهی (در مصاحبه‌ای ساختارمند) به آن پاسخ گفتند. در مرحله سوم نجات (۱۳۹۵) تمام شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های کاغذی پاسخ دادند. مطالعه گلکار

آزمودنی‌ها خواسته می‌شود اهمیت هر یک از ملاحظات مطرح‌شده را در قضاوت‌های خود از ۰ = "اصلاً مهم نیست" تا ۵ = "به شدت مهم است"، و در بخش قضاوت نیز میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر کدام از گزاره‌ها از ۰ = "به شدت مخالفم" تا ۵ = "به شدت موافقم" مشخص کنند. نسخه مورد استفاده مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) از ترجمه سیفی قوزلو (۱۳۹۱) که به تاریخ ۲۰۱۲ در پایگاه اینترنتی این نظریه^۱ ثبت شده بود، با اعمال تغییرات نگارشی در ترجمه برخی گزاره‌ها حاصل شد. در مطالعه این محقق که روی ۱۲۵ زوج متأهل اجرا شد، نتایج تحلیل عاملی رضایت‌بخش توصیف شده است. پرسشنامه بنیادهای اخلاقی مورد استفاده مرحله سوم نجات (۱۳۹۵) از پرسشنامه مورد استفاده مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) با اعمال تغییراتی دیگر در گزاره‌ها به منظور کاهش ابهام به دست آمد. پرسشنامه مورد استفاده گلکار (۱۳۹۴) با حذف کلمه در پرانتز "اعدام" از گزاره "کشتن (اعدام) یک انسان هرگز نمی‌تواند درست باشد" از پرسشنامه مرحله سوم نجات (۱۳۹۵) حاصل شد. نمره هر بنیاد اخلاقی با میانگین گرفتن از گزاره‌های مربوط به آن بنیاد به دست آمد. برای سنجش اهمیت بنیاد آزادی، از گزاره‌های تدوین‌شده ایر و همکاران (۲۰۱۲) که مشتمل بر دو گزاره به سبک بخش ارتباط و هفت گزاره به سبک بخش قضاوت بود استفاده شد. این نه گزاره توسط نجات (۱۳۹۵) به فارسی ترجمه شده و

پگاه نجات و جواد حاتمی: ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی در سه نمونه ایرانی

۰/۶۹، در مرحله سوم نجات بین ۰/۵۱ تا ۰/۶۰، و در گلکار (۱۳۹۴) بین ۰/۵۳ تا ۰/۶۰ برای پنج بنیاد متغیر بود. آلفاهای بخش قضاوت نیز در مرحله دوم نجات بین ۰/۱۵ تا ۰/۵۴، در مرحله سوم نجات بین ۰/۲۱ تا ۰/۴۹، و در گلکار بین ۰/۱۵ تا ۰/۶۵ برای پنج بنیاد متغیر بود و به استثنای تقدس در مطالعه گلکار، در سایر موارد، آلفای بخش ارتباط هر بنیاد بالاتر از آلفای قضاوت همان بنیاد بود.

(۱۳۹۴) به صورت اینترنتی اجرا شد. این مطالعه بنیاد آزادی را در بر نداشت.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد و مقادیر آلفای کرونباخ را برای شش بنیاد اخلاقی در سه نمونه گزارش می‌کند. آلفاهای بخش ارتباط پرسشنامه به تنهایی در مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) بین ۰/۵۰ تا

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و آلفای کرونباخ بنیادهای اخلاقی

گلکار (۱۳۹۴)			مرحله سوم نجات (۱۳۹۵)			مرحله دوم نجات (۱۳۹۵)			بنیاد اخلاقی
α	SD	M	α	SD	M	α	SD	M	
۰/۴۴	۰/۶۸	۳/۶۸	۰/۴۷	۰/۶۴	۳/۴۷	۰/۳۸	۰/۵۸	۳/۵۹	مراقبت
۰/۵۳	۰/۶۰	۳/۹۳	۰/۵۰	۰/۵۲	۳/۹۱	۰/۵۲	۰/۵۴	۳/۹۷	انصاف
۰/۵۷	۰/۸۰	۳/۲۶	۰/۵۸	۰/۷۱	۳/۴۱	۰/۴۷	۰/۶۷	۳/۴۲	وفاداری
۰/۶۹	۰/۹۴	۲/۷۴	۰/۶۶	۰/۷۶	۲/۹۳	۰/۶۷	۰/۸۲	۲/۹۵	اطاعت
۰/۷۴	۱/۰۳	۳/۲۲	۰/۷۰	۰/۷۲	۳/۶۳	۰/۷۴	۰/۸۰	۳/۵۶	تقدس
-	-	-	۰/۶۷	۰/۶۹	۳/۱۴	۰/۶۷	۰/۷۱	۳/۲۷	آزادی

بنیاد اخلاقی، مطابق گراهام و همکاران (۲۰۱۱) از تحلیل عاملی اکتشافی با روش بیشینه احتمال و چرخش ابلیمین مستقیم استفاده شد. در هر سه مطالعه در ابتدا ۹ عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک استخراج شد. در مرحله دوم نجات (۱۳۹۵)، نظر به شکستگی نمودار سنگریزه، تحلیل با سه عامل تکرار شد (۳۴/۹۶٪ واریانس). در مرحله سوم نجات (۱۳۹۵) نیز براساس نمودار سنگریزه تحلیل با سه عامل اجرا شد. با این حال از آنجاکه فقط چهار گزاره بر عامل سوم بار گرفته بودند به دو عامل محدود شد (۲۸/۵۲٪ واریانس). عامل اول در مرحله دوم نجات عمدتاً شامل اطاعت و تمام گزاره‌های تقدس، عامل دوم عمدتاً شامل گزاره‌های انصاف و مراقبت (البته به طور

با حذف گزاره کشتن در مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) آلفای بنیاد مراقبت تا ۰/۴۹، با حذف گزاره ارث‌بری آلفای انصاف تا ۰/۶۳، ۰/۶۲، و ۰/۵۸ به ترتیب در مرحله دوم و سوم نجات (۱۳۹۵) و گلکار (۱۳۹۴) و با حذف گزاره در خدمت گروه در مرحله دوم نجات آلفای وفاداری تا ۰/۵۴ افزایش یافت. سایر افزایش‌های آلفا در اثر حذف هر کدام از گزاره‌ها کمتر از ۰/۰۵ و ناچیز بود. پایین‌ترین همبستگی‌های گزاره - کل در سه مطالعه متعلق به گزاره‌های آسیب به حیوان و کشتن از بنیاد مراقبت، ارث‌بری از بنیاد انصاف، در خدمت گروه از بنیاد وفاداری، و منافع همگانی و مالکیت خصوصی از بنیاد آزادی بود (جدول ۳). برای استخراج عوامل زیربنای گزاره‌های پنج

دوفصلنامه علمی شناخت اجتماعی، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۸

معکوس)، و عامل سوم نیز آمیخته‌ای از گزاره‌های وفاداری، اطاعت، مراقبت و انصاف بود. در مرحله سوم نجات، عامل اول عمدتاً شامل گزاره‌های مراقبت و تمام گزاره‌های انصاف، و عامل دوم عمدتاً شامل گزاره‌های

تقدس، اطاعت و وفاداری بود، البته دو گزاره بنیاد وفاداری (وفاداری و خیانت به گروه) نیز در صدر عامل اول بودند (جدول ۲).

جدول ۲. ماتریس ساختار حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی پنج بنیاد اخلاقی

گزاره	مرحله دوم نجات (۱۳۹۵)			مرحله سوم نجات (۱۳۹۵)			گلکار (۱۳۹۴)	
	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۱	عامل ۲	همبستگی گزاره کل	عامل ۱	عامل ۲
رفتار مطابق سنت‌ها (اطاعت)	۰/۶۶	۰/۰۳	۰/۲۸	۰/۳۱	-۰/۵۳	۰/۴۶	۰/۵۳	۰/۱۵
امر مشمئزکننده (تقدس)	۰/۶۵	-۰/۴۰	۰/۰۴	۰/۳۹	-۰/۲۴	۰/۳۰	۰/۳۹	۰/۴۰
مشمئزکننده بی‌آسیب (تقدس)	۰/۶۳	-۰/۰۹	۰/۳۲	۰/۲۲	-۰/۴۹	۰/۴۵	۰/۵۸	۰/۰۷
پاکی و نجابت (تقدس)	۰/۵۷	-۰/۴۲	۰/۳۴	۰/۴۰	-۰/۵۹	۰/۵۳	۰/۶۳	۰/۳۲
رضای خدا (تقدس)	۰/۵۳	-۰/۲۵	۰/۴۵	۰/۳۴	-۰/۷۱	۰/۵۳	۰/۶۳	۰/۲۳
عفت و پاکدامنی (تقدس)	۰/۵۰	-۰/۱۵	۰/۴۴	۰/۲۱	-۰/۶۰	۰/۵۴	۰/۷۴	۰/۱۶
هرج و مرج (اطاعت)	۰/۴۹	-۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۵۱	-۰/۲۸	۰/۲۵	۰/۳۵	۰/۳۸
نقش‌های جنسیتی (اطاعت)	۰/۴۳	-۰/۰۳	۰/۳۷	-۰/۰۲	-۰/۴۷	۰/۲۳	۰/۵۱	-۰/۰۲
خلاف طبیعت (تقدس)	۰/۴۲	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۵	-۰/۴۸	۰/۳۱	۰/۳۸	۰/۰۳
پیروی سرباز (اطاعت)	۰/۳۱	۰/۱۹	۰/۰۵	۰/۱۵	-۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۱۱
کشتن (مراقبت)	-۰/۲۷	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۳۴	۰/۱۹	-۰/۰۴	۰/۱۲
پایمال شدن حقوق (انصاف)	۰/۰۹	-۰/۷۵	۰/۱۴	۰/۵۷	-۰/۲۱	۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۷۳
بی‌رحمی (مراقبت)	۰/۲۱	-۰/۶۶	۰/۱۲	۰/۲۲	-۰/۲۱	۰/۴۱	۰/۱۴	۰/۶۷
رفتار غیر منصفانه (انصاف)	۰/۰۱	-۰/۶۶	۰/۰۶	۰/۳۳	-۰/۱۲	۰/۳۴	۰/۱۳	۰/۶۴
کمک به ضعیف (مراقبت)	-۰/۰۷	-۰/۵۲	۰/۱۲	۰/۲۸	-۰/۱۷	۰/۲۹	۰/۱۴	۰/۴۷

بگانه نجات و جواد حاتمی: ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی در سه نمونه ایرانی

۰/۲۷	۰/۴۰	۰/۰۷	۰/۳۷	-۰/۱۵	۰/۴۳	۰/۳۶	۰/۲۱	-۰/۵۱	۰/۱۰	رفتار متفاوت (انصاف)
۰/۵۰	۰/۵۶	۰/۴۴	۰/۳۳	-۰/۱۰	۰/۶۴	۰/۳۴	۰/۲۲	-۰/۵۰	۰/۱۶	وفاداری (وفاداری)
۰/۴۳	۰/۵۱	۰/۴۰	۰/۵۰	-۰/۲۷	۰/۶۶	۰/۲۷	۰/۱۷	-۰/۴۲	۰/۱۷	خیانت به گروه (وفاداری)
۰/۳۶	۰/۶۰	۰/۱۰	۰/۲۲	-۰/۰۹	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۱۷	-۰/۳۴	-۰/۰۹	رنج عاطفی (مراقبت)
۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۳	-۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	در خدمت گروه (وفاداری)
۰/۲۹	۰/۲۱	۰/۴۰	۰/۱۹	-۰/۴۶	۰/۰۹	۰/۲۴	۰/۵۹	۰/۰۴	۰/۲۳	تاریخ کشور (وفاداری)
۰/۵۰	۰/۰۵	۰/۵۹	۰/۵۰	-۰/۵۰	۰/۲۴	۰/۴۶	۰/۵۰	۰/۱۲	۰/۳۷	آموزش احترام به کودکان(اطاعت)
۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۳۳	۰/۳۷	-۰/۵۴	۰/۳۹	۰/۳۴	۰/۴۷	-۰/۳۰	۰/۲۶	عشق به کشور (وفاداری)
۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۴۵	۰/۲۲	-۰/۱۵	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۴۴	-۰/۲۴	۰/۱۶	رحم و دلسوزی (مراقبت)
۰/۳۴	۰/۲۵	۰/۳۰	۰/۳۴	-۰/۱۸	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۴۴	-۰/۱۶	۰/۱۵	عدالت در جامعه (انصاف)
۰/۵۴	۰/۱۵	۰/۵۶	۰/۴۶	-۰/۴۰	۰/۳۲	۰/۴۷	۰/۴۰	-۰/۰۹	۰/۳۹	احترام به مراجع قدرت (اطاعت)
۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۴۵	۰/۳۴	-۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۳۷	۰/۰۴	۰/۱۳	وفاداری به خانواده (وفاداری)
۰/۳۴	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۳۳	-۰/۲۷	۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۳۵	-۰/۲۴	۰/۰۵	رفتار عادلانه دولت (انصاف)
۰/۱۸	۰/۲۵	۰/۰۶	۰/۱۴	-۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۱۵	-۰/۱۳	-۰/۰۴	آسیب به حیوان (مراقبت)
۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۰۹	-۰/۰۷	-۰/۰۲	ارث‌بری ثروتمندان (انصاف)

عامل اول عمدتاً شامل گزاره‌های اطاعت و تقدس و عامل دوم عمدتاً شامل گزاره‌های مراقبت و انصاف بود. گزاره‌های وفاداری بین دو عامل پراکنده بودند، به‌طوری‌که گزاره‌های مربوط به خانواده و کشور روی

در مطالعه گلکار (۱۳۹۴)، نظر به شکستگی نمودار سنگریزه تحلیل با سه عامل انجام شد. با این حال از آنجا که تنها دو گزاره بار بالای ۰/۳ بر عامل سوم داشتند، تحلیل به دو عامل محدود شد (۳۰/۱۸٪ واریانس).

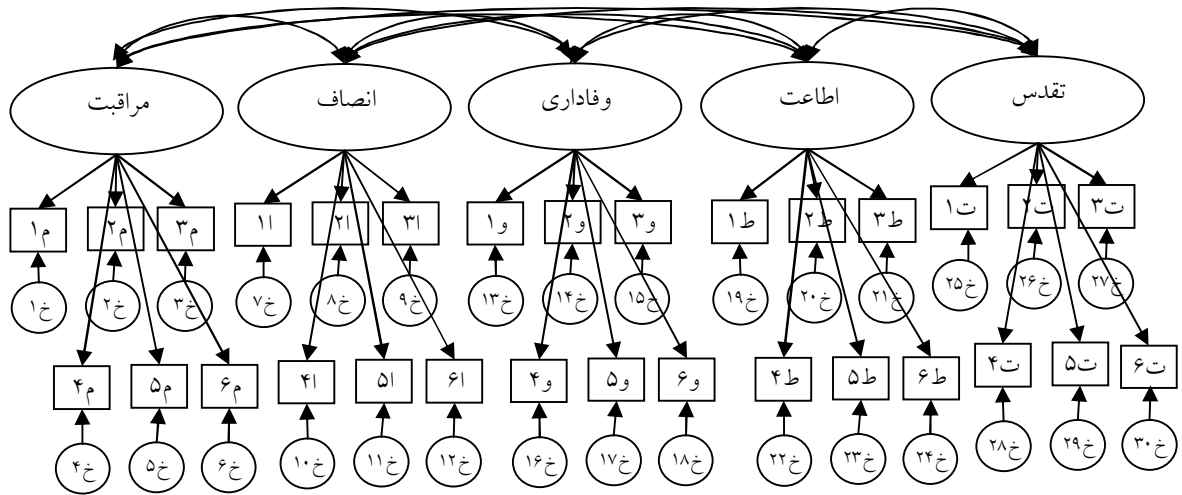
همانند ایر و همکاران (۲۰۱۲)، تحلیل عاملی اکتشافی نه گزاره بنیاد آزادی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام شد. در هر دو مرحله دوم و سوم نجات (۱۳۹۵) سه عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک استخراج شد. با این حال، نظر به شکستگی نمودار سنگریزه در عامل دوم، تحلیل با دو عامل تکرار شد (جدول ۳).

عامل اول و سه گزاره دیگر روی عامل دوم بار گرفتند. در مجموع سه تحلیل، گزاره‌هایی که بیشترین تعداد بار عاملی زیر ۰/۳ را داشتند ارت‌بری، آسیب حیوان، کشتن و در خدمت گروه بودند. همچنین دو گزاره وفاداری و خیانت به گروه بیش از سایر گزاره‌های بنیاد وفاداری گرایش به هم‌عامل شدن با مراقبت و انصاف نشان دادند (جدول ۲).

جدول ۳. ماتریس ساختار حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی گزاره‌های بنیاد آزادی به تنهایی

مرحله سوم نجات (۱۳۹۵)			مرحله دوم نجات (۱۳۹۵)			گزاره
همبستگی کل - گزاره	عامل ۲	عامل ۱	همبستگی کل - گزاره	عامل ۲	عامل ۱	
۰/۵۵	۰/۳۴	۰/۶۹	۰/۵۸	۰/۲۹	۰/۷۳	رفتن دنبال انتخاب
۰/۲۹	-۰/۱۴	۰/۷۰	۰/۳۳	-۰/۱۰	۰/۶۹	آزادی مالکان
۰/۳۶	۰/۱۵	۰/۵۶	۰/۳۴	-۰/۱۳	۰/۷۲	بهره‌گیری از ثروت
۰/۴۹	۰/۵۹	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۶۰	۰/۳۲	دخالت دولت
۰/۵۹	۰/۴۲	۰/۶۶	۰/۴۹	۰/۴۶	۰/۵۴	انتخاب آداب
۰/۲۹	۰/۷۱	۰/۰۳	۰/۴۴	۰/۲۶	۰/۵۷	تعیین تکلیف نکردن
۰/۲۰	۰/۶۷	-۰/۱۰	۰/۳۲	۰/۶۶	۰/۱۴	آزادی انجام کار
۰/۲۰	۰/۳۲	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۵۱	۰/۰۱	منافع همگانی
۰/۲۳	۰/۰۰	۰/۴۸	۰/۱۳	۰/۵۴	-۰/۱۰	مالکیت خصوصی

مدل ساختاری مورد آزمون در تحلیل عاملی همبسته بود که هر کدام توسط شش گزاره تأییدی پنج بنیاد اخلاقی متشکل از پنج عامل نمایندگی شدند (شکل ۱).



شکل ۱. مدل ساختاری مورد استفاده در تحلیل عاملی تأییدی

گروه در سه مطالعه، گزاره تاریخ کشور در دو مطالعه، و وفاداری به خانواده در یک مطالعه بارهایی کمتر از $0/3$ داشتند، با این حال، بار گزاره در خدمت گروه از مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) به بعد بهبود یافته است. در بنیاد انصاف، اثربری ثروتمندان در سه مطالعه، عدالت در جامعه در دو مطالعه، و رفتار عادلانه دولت در یک مطالعه بار کمتر از $0/3$ داشتند. گزاره‌های ضعیف بنیاد مراقبت آسیب به حیوان و کشتن در سه مطالعه و دلسوزی تنها در مطالعه گلکار (۱۳۹۴) بود. با این حال، بار گزاره کشتن در گلکار نسبت به مراحل دوم و سوم نجات بهبود داشت.

ضرایب مسیر و شاخص‌های برازش این مدل برای سه مطالعه در جدول ۴ گزارش شده است. بر مبنای ملاک‌های رایج برازش خوب، یعنی کمتر بودن RMSEA از $0/08$ ، کمتر بودن تقسیم‌بندی دو بر درجه آزادی از 2 ، و بیشتر بودن CFI از $0/90$ (میرز، گامست و گارینو، ۲۰۰۶)، مدل حاضر از نقطه نظر RMSEA و تا حدی نیز تقسیم‌بندی دو بر درجه آزادی واجد کفایت برازش اما از نظر CFI نه چندان مطلوب ارزیابی می‌شود. تمام گزاره‌های منسوب به دو بنیاد اطاعت و تقدس به طور مثبت و با ضریب $0/3$ یا بالاتر روی عامل مفروض خود بار گرفتند. در بنیاد وفاداری، گزاره در خدمت

جدول ۴. ضرایب استاندارد مسیر و شاخص‌های برآزش حاصل از تحلیل تأییدی مدل پنج عاملی همبسته

گلاکار (۱۳۹۴)	مرحله سوم نجات (۱۳۹۵)	مرحله دوم نجات (۱۳۹۵)	مسیر (بنیاد اخلاقی به گزاره)	
۰/۶۰	۰/۳۲	۰/۳۴	رنج عاطفی	مراقبت ←
۰/۴۹	۰/۵۶	۰/۴۹	کمک به ضعیف	
۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۶۷	بی‌رحمی	
۰/۱۴	۰/۳۱	۰/۳۱	رحم و دلسوزی	
۰/۲۷	۰/۱۶	۰/۱۵	آسیب به حیوان	
۰/۱۳	۰/۰۷	-۰/۰۶	کشتن	
۰/۴۳	۰/۴۵	۰/۵۳	رفتار متفاوت	انصاف ←
۰/۶۴	۰/۶۱	۰/۶۵	رفتار غیرمنصفانه	
۰/۶۸	۰/۶۲	۰/۷۵	پایمال شدن حقوق	
۰/۲۶	۰/۳۹	۰/۳۱	رفتار عادلانه دولت	
۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۲۳	عدالت در جامعه	
۰/۱۵	۰/۱۰	۰/۰۹	ارث‌بری ثروتمندان	
۰/۴۲	۰/۵۴	۰/۴۳	عشق به کشور	وفاداری ←
۰/۶۱	۰/۷۰	۰/۶۲	خیانت به گروه	
۰/۶۴	۰/۵۷	۰/۷۲	وفاداری	
۰/۴۳	۰/۲۶	۰/۱۸	تاریخ کشور	
۰/۳۶	۰/۴۰	۰/۲۱	وفاداری به خانواده	
۰/۲۵	۰/۲۷	۰/۰۲	در خدمت گروه	
۰/۶۶	۰/۵۶	۰/۵۲	احترام به مراجع قدرت	اطاعت ←
۰/۶۰	۰/۶۲	۰/۶۹	رفتار مطابق سنت‌ها	
۰/۳۸	۰/۳۹	۰/۴۶	هرج و مرج	
۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۵۱	آموزش احترام به کودکان	
۰/۴۷	۰/۳۲	۰/۵۱	نقش‌های جنسیتی	
۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۳۰	پیروی سرباز	
۰/۷۱	۰/۷۰	۰/۷۴	پاکی و نجابت	تقدس ←
۰/۳۹	۰/۳۷	۰/۶۲	امر مشمئزکننده	
۰/۶۵	۰/۷۰	۰/۶۴	رضای خدا	
۰/۵۶	۰/۴۹	۰/۵۸	مشمئزکننده بی‌اسیب	
۰/۳۹	۰/۴۱	۰/۳۰	خلاف طبیعت	
۰/۸۰	۰/۶۲	۰/۶۱	عفت و پاکدامنی	
۲/۷۰	۱/۸۲	۳/۰۴	خی دو تقسیم بر درجه آزادی	
۰/۰۷۸	۰/۰۶۸	۰/۰۸۱	RMSEA	
۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۶۳	CFI	

مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) و گلاکار (۱۳۹۴) میانگین زنان در تقدس نیز بالاتر بود ($ps < ۰/۰۱$)، $ts > ۲/۹۰$. تفاوت دو جنس در بنیاد وفاداری در هیچ‌کدام از سه مطالعه ($ps > ۰/۰۹۵$)، $ts < ۱/۶۵$) و در آزادی در هیچ‌کدام از دو مطالعه (۰/۲۷۵)

اجرای آزمون‌های t مستقل به منظور مقایسه دو جنس در تکیه بر بنیادها نشان داد در هر سه مطالعه، زنان در مراقبت ($ps < ۰/۰۵$)، $ts > ۲/۱۸$) و انصاف ($ps < ۰/۰۱$)، $ts > ۳/۰۹$) میانگین بالاتری نسبت به مردان داشتند. در دو مطالعه

علیرغم فاصله داشتن مدل‌های حاضر از ملاک‌های آرمانی برآزش در برخی موارد، در قیاس با مطالعات مشابه در سایر فرهنگ‌ها وضعیت نامناسبی ندارند.

تفاوت‌های میان‌جنسیتی. در هر سه مطالعه حاضر، زنان تأکید بیشتری بر مراقبت و انصاف، و در دو مطالعه همچنین تأکید بیشتری بر تقدس داشتند. این یافته همسو با یافته گراهام و همکاران (۲۰۱۱) در سطح بین‌المللی است و در نتیجه از اعتبار گروه‌های شناخته‌شده نسخه فارسی این پرسشنامه حمایت می‌کند. عدم مشاهده تفاوت میان‌جنسیتی در بنیاد آزادی نیز همسو با یافته یالچینداگ و همکاران (۲۰۱۷) در ترکیه است.

مقاله حاضر با انجام تحلیل‌های مربوط به روایی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی فارسی و ارائه گزارش دقیق و قابل استنادی از آن بخصوص در زمینه ساختار عاملی و مقایسه نتایج با یافته‌های خارجی، از سایر مطالعات ایرانی (سیفی قوزلو و همکاران، ۱۳۹۴؛ حسن‌نیا، خرمایی و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۴؛ سهراب‌پور، خلیلی و تکجو، ۲۰۱۶؛ نامور و همکاران، ۲۰۱۵) فراتر رفت. یافته‌های حاضر نشان داد این پرسشنامه از نظر ویژگی‌های روان‌سنجی به طور مطلق عالی نیست، اما از سویی با اهداف طراحی آن و پیچیدگی سازه اخلاق هماهنگ است (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱) و از سوی دیگر به نسخه‌های مورد استفاده در اکثر فرهنگ‌های دیگر مشابهت دارد. در مواجهه با این کاستی، برخی محققان از دو عامل فردگرایانه و پیوندگرایانه به جای بنیادها استفاده

گزاره‌ها در دو مرحله نجات (۱۳۹۵) متفاوت از ایر و همکاران (۲۰۱۲) بود که در آن، گزاره‌های رفتن دنبال انتخاب، انتخاب آداب، و آزادی انجام کار روی یک عامل (آزادی سبک زندگی) و شش گزاره دیگر روی عامل دوم (آزادی اقتصادی/دولت) بار گرفته بودند. علت تفاوت الگوها می‌تواند تفاوت نحوه یا محتوای مورد تنظیم‌گری دولت‌ها در دو کشور باشد، به‌گونه‌ای که در ایران، آزادی سبک زندگی نیز جدا از دولت نیست. تبیین مشابهی از سوی یالچینداگ و همکاران (۲۰۱۷) مطرح شده است. پژوهش حاضر با ارائه اطلاعات مربوط به اعتباریابی این بنیاد در فرهنگ ایران به یافته‌های اندک موجود درباره این دغدغه اخلاقی تازه مطرح‌شده می‌افزاید.

ساختار عاملی پنج‌بنیادی مفروض برای پرسشنامه بنیادهای اخلاقی حد خوبی در نسخه فارسی مورد استفاده در پژوهش حاضر قابل تأیید است. همچنین تغییرات اعمال‌شده در پرسشنامه بعد از مرحله دوم نجات (۱۳۹۵) به نفع ساختار عاملی مفروض بود. هیچ بنیادی بیش از دو گزاره ضعیف نداشت و قوت مسیرهای گزاره - بنیاد نیز علیرغم پایین‌تر بودن کلی نسبت به گراهام و همکاران (۲۰۱۱) از نظر الگو به آن نزدیک بود، یعنی مسیرهای مشابهی در دو مدل نسبت به مسیرهای همان مدل ضعیف هستند. مشابه با یافته‌های حاضر، مدل‌های پنج عاملی در سایر فرهنگ‌ها نیز اکثراً دارای CFI بین ۰/۶ تا ۰/۸ و RMSEA بین ۰/۰۶ تا ۰/۰۸ بودند. بنابراین،

اخلاقی این پرسش اساسی را متبادر می‌سازد که آیا اساساً روش کتابخانه‌ای در پیش گرفته شده توسط پردازندگان نظریه بنیادهای اخلاقی حق مطلب را در مورد نحوه تمایز دغدغه‌های اخلاقی در بازنمایی ذهنی و فرآیندهای روانی افراد ادا می‌کند؟ آیا ممکن است دسته‌بندی دغدغه‌های اخلاقی با استناد به مفاهیم دیگری، برای مثال ماهیت هیجانانگیز مرتبط با آن‌ها قابل توجیه‌تر باشد؟ حوزه‌های شناخت اجتماعی و عصب‌شناسی اجتماعی در موقعیت خوبی برای پاسخگویی به این پرسش قرار دارند.

نظریه بنیادهای اخلاقی از ابتدای طرح با نقدهایی روبرو بوده است (مانند گری، ویتز و یانگ، ۲۰۱۲)، و در یکی از اخیرترین آن‌ها، سیمپسون (۲۰۱۷) به مناسب نبودن روش خودگزارشی برای سنجش بنیادهای اخلاقی که از جنس شهود هستند اشاره کرده است. استفاده از ابزارهایی غیر از پرسشنامه بنیادهای اخلاقی برای پژوهش درباره بنیادها، نظیر پرسش‌های پاسخ باز در مطالعه نجات، باقریان، شکری و حاتمی (۱۳۹۵)، آزمون رایانه‌ای در مرحله سوم نجات (۱۳۹۵)، و مطالعه مقایسه‌ای نجات، باقریان، حاتمی و شکری (۱۳۹۴) روی ویژگی‌های شناختی - انگیزشی بنیادهای اخلاقی که برکردن این خلأ و گشودن راههایی برای رفع این محدودیت در پرسشنامه بنیادهای اخلاقی کمک کند. با این وجود، مطالعات رو به افزایشی که این نظریه در فرهنگ‌های مختلف برانگیخته است نشان از دستیابی آن به هدف تکثرگرایانه خود، یعنی لحاظ شدن

کرده‌اند (مانند هدریکس و کنده، ۲۰۱۷)، برخی گزاره‌های ضعیف را حذف نموده (مانند ژانگ و لی، ۲۰۱۵)، و برخی دیگر خود را به گزاره‌های بخش ارتباط محدود کرده‌اند (مانند التانگرل، ۲۰۱۶).

بنا بر یافته‌های حاضر، گزاره‌های بنیاد وفاداری کمتر از گزاره‌های مربوط به چهار بنیاد دیگر تمایل به تبعیت از ساختار مفروض خود داشتند. در برخی نسخه‌های دیگر (التانگرل، ۲۰۱۶؛ بومن، ۲۰۱۰) نیز به چنین مشکلی اشاره شده است. بر مبنای محتوای ناهمگن این بنیاد اخلاقی می‌توان پیشنهاد نمود مطالعاتی برای روشن نمودن حدود و محتوای آن انجام شود. علاوه بر این، اعتبار ساختاری و همسانی درونی دو بنیاد مراقبت و انصاف نسبت به اطاعت و تقدس پایین‌تر بود. آسیب به حیوان و کشتن از بنیاد مراقبت، ارث‌بری از بنیاد انصاف، و در خدمت گروه از بنیاد وفاداری گزاره‌هایی بودند که نسبت به سایر گزاره‌ها شواهد ضعیف‌تری از تعلق به بنیادهای مفروض خود نشان دادند. برخی مطالعات پیشین نیز یافته‌های مشابهی را در خصوص این گزاره‌ها گزارش داده‌اند (بومن، ۲۰۱۰؛ یالچینداگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ ورنکا، ۲۰۱۵؛ بویو و همکاران، ۲۰۱۱؛ سیلویو و همکاران، ۲۰۱۶؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۲؛ جارماکوفسکی و جارماکوفسکا، ۲۰۱۶؛ نیلسون و ارلاندسون، ۲۰۱۵). بنابراین شاید این ضعف بیش از آنکه مختص نسخه فارسی باشد به ماهیت این گزاره‌ها مربوط شود. کاستی‌های مشاهده‌شده در پرسشنامه بنیادهای

تفاوت‌های فرهنگی در مطالعه روان‌شناسی اخلاق دارد.

منابع

- حسن‌نیا، س.؛ خرمایی، ف. و شیخ‌الاسلامی، ر (۱۳۹۴). «رابطه علی سبک‌های دل‌بستگی با بنیان‌های اخلاقی از طریق واسطه‌گری هویت اخلاقی». فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۸، ۷۵-۹۸.
- ذکری، ف (۱۳۹۶). «رابطه سبک‌های دل‌بستگی با قضاوت و رفتار اخلاقی در نوجوانان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- ذکری، ف.؛ مظاهری، م. ع.؛ حاتمی، ج. و نجات، پ (۱۳۹۶). «نیم‌رخ حساسیت‌های اخلاقی در نوجوانان دختر و پسر». فصلنامه روان‌شناسی معاصر، ۱۲ (ویژه‌نامه مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران)، ۷۱۷-۷۲۱.
- سیفی قوزلو، س. ج (۱۳۹۱). «بررسی رابطه اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین معلمان و همسرانشان در شهرستان مغان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- سیفی قوزلو، س. ج.؛ حمیدی، ا.؛ شریفی، گ. و خلیلی، ش (۱۳۹۴). «رابطه بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین زوجین در شهر مغان». فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۶، ۱۳۹-۱۱۵.
- گلکار، ش (۱۳۹۴). «نقش انسانیت‌زدایی و هیجان‌ات اخلاقی در رابطه نوع جرم و شدت مجازات تعیین‌شده برای آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- میرز، ل. اس.؛ گامست، گ. و گارینو، ا. جی (۲۰۰۶). پژوهش چند متغیری کاربردی، حسن پاشا شریفی، ولی‌الله فرزاد، سیمین‌دخت رضاخانی، حمیدرضا حسن‌آبادی، بلال ایزانلو، و مجتبی حبیبی، ۱۳۹۱، تهران: انتشارات رشد.
- نجات، پ (۱۳۹۵). «بررسی قضاوت اخلاقی در جامعه ایرانی از منظر کارکرد اجتماعی: اخلاق و نقش‌های اجتماعی». رساله دکتری منتشر نشده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- نجات، پ.؛ باقریان، ف.؛ حاتمی، ج. و شکری، ا (۱۳۹۴). «بررسی ویژگی‌های شناختی - اجتماعی بازنمایی ذهنی دغدغه‌های اخلاقی: گروه‌بندی، جهت‌گیری انگیزشی و بافت ارتباطی بنیادهای اخلاقی». دوفصلنامه شناخت اجتماعی، ۷، ۱۰۹-۱۲۶.

- ذهنی یک نمونه ایرانی از جامعه آرمانی و رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی». فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۷۱، ۳۹-۳۷.
- Altangerel, B. (2016). "Mongolian Morality in the East and the West: Do Moral Values Change Through Acculturation?" Unpublished Master's thesis, Tilburg University, Tilburg, Netherlands.
- Almeida, P. R., Seixas, M. J., Ferreira-Santos, F., Vieira, J. B., Paiva, T. O., Moreira, P. S., & Costa, P. (2015). "Empathic, moral and antisocial outcomes associated with distinct components of psychopathy in healthy individuals: a Triarchic model approach". *Personality and Individual Differences*, 85, 205-11.
- Bedregal, P., Leon, T., Shand, B., & Mosso, L. (2013). "Survey on moral judgment criteria among medical students". *Rev Med Chile*, 141, 704-9. [Text in Spanish]
- Bobbio, A., Nencini, A., & Sarrica, M. (2011). "Il Moral Foundation Questionnaire: Analisi della struttura fattoriale della versione italiana [The Moral Foundations Questionnaire: Analysis of the factor structure of the Italian version]". *Giornale di Psicologia*, 5, 7-18.
- Bowman, N. (2010). *German translation of the Moral Foundations Questionnaire – Some preliminary results*. Retrieved from <http://onmediatheory.blogspot.se/2010/07/germantranslation-of-moral-foundations.html>
- Bowman, N. D., Jöckel, S., & Dogruel, L. (2012). "A question of morality? The influence of moral salience and
- نجات، پ.؛ باقریان، ف.؛ شکری، ا. و حاتمی، ج (۱۳۹۵). «الگوی تکیه بر بنیادهای اخلاقی در بازنمایی nationality on media preferences». *The European Journal of Communication Research*, 37(4), pp. 345-69.
- Deak, C., & Saroglou, V. (2017). "Terminating a Child's Life? Religious, Moral, Cognitive, and Emotional Factors Underlying Non-Acceptance of Child Euthanasia". *Psychologica Belgica*, 57(1), 59-76.
- Davies, C. L., Sibley, C. G., & Liu, J. H. (2014). "Confirmatory factor analysis of the Moral Foundations Questionnaire: Independent scale validation in a New Zealand sample". *Social Psychology*, 45, 431-36.
- Glover, R. J., Natesan, P., Wang, J., Rohr, D., McAfee-Etheridge, L., Booker, D. D., Bishop, J., Lee, D., Kildare, C., & Wu, M. (2014). "Moral rationality and intuition: An exploration of relationships between the Defining Issues Test and the Moral Foundations Questionnaire". *Journal of Moral Education*, 43(4), 395-412.
- Graham, J., Haidt, J., Koleva, S., Motyl, M., Iyer, R., Wojcik, S., & Ditto, P. H. (2013). "Moral foundations theory: The pragmatic validity of moral pluralism". *Advances in Experimental Social Psychology*, 47, 55-130.
- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H. (2011). "Mapping the moral domain". *Journal of Personality and Social Psychology*, 101, 366-385.
- Gray, K., Waytz, A., & Young, L. (2012). "The moral dyad: A fundamental

- template unifying moral judgment". *Psychological Inquiry*, 23, 206–215.
- Hadarics, M., & Kende, A. (2017). "Survey on moral judgment criteria among medical students". *Psychological Thought*, 10(1), 167-177.
 - Haidt, J. (2001). "The emotional dog and its rational tail: a social intuitionist approach to moral judgment". *Psychol Rev*, 108(4), 814-834.
 - Haidt, J., & Graham, J. (2007). "When Morality Opposes Justice: Conservatives Have Moral Intuitions that Liberals may not Recognize". *Social Justice Research*, 20(1), 98-116.
 - Haidt, J., & Joseph, C. (2004). "Intuitive ethics: How innately prepared intuitions generate culturally variable virtues". *Daedalus*, 133, 55-66.
 - Hirsh, J. B., DeYoung, C. G., Xiaowen, X., & Peterson, J. B. (2010). "Compassionate liberals and polite conservatives: associations of agreeableness with political ideology and moral values". *Pers Soc Psychol Bull*, 36(5), 655-664.
 - Iyer, R., Koleva, S., Graham, J., Ditto, P., & Haidt, J. (2012). "Understanding libertarian morality: the psychological dispositions of self-identified libertarians". *PLoS One*, 7(8), e42366.
 - Jarmakowski-Kostrzanowski, T., & Jarmakowska-Kostrzanowska, L. (2016). "The Polish adaptation of Moral Foundation Questionnaire (MFQ-PL)". *Psychologia Społeczna*, 4(39), 489-508. [Text in Polish].
 - Khan, S. R., & Stagnaro, M. N. (2015). "The influence of multiple group identities on moral foundations". *Ethics and Behavior*, 26(3), 194-214.
 - Kim, K. R., Kang, J.S., & Yun, S. (2012). "Moral intuitions and political orientation: Similarities and differences between Korea and the United States". *Psychological Reports: Sociocultural Issues in Psychology*, 111, 173–185.
 - Koleva, S. P., Graham, J., Iyer, R., Ditto, P. H., & Haidt, J. (2012). "Tracing the threads: How five moral concerns (especially Purity) help explain culture war attitudes". *Journal of Research in Personality*, 46(2), 184-194.
 - Koleva, S., Selterman, D., Iyer, R., Ditto, P., & Graham, J. (2013). "The Moral Compass of Insecurity: Anxious and Avoidant Attachment Predict Moral Judgment". *Social Psychological and Personality Science*.
 - Mäkinen, J. P., Pirttilä-Backman, A. M., & Pieri, M. (2013). "The Endorsement of the Moral Foundations in Food-Related Moral Thinking in Three European Countries". *Journal of Agricultural and Environmental Ethics*, 26(4), 771-786.
 - Mikloušić, I., Mlačić, B., & Milas, G. (2016). *Construct validity of the Moral Foundations Questionnaire using self and peer ratings in Croatia*. Paper presented at the 2nd World Conference on Personality, Buzios, Brazil.
 - Milesi, P. (2016). "Moral foundations and political attitudes: The moderating role of political sophistication". *International Journal of Psychology*, 51(4), 252-60.

- Namvar, H., Ahadi, H., Sahraeiyan, M. A., & Jomehri, F. (2015). "The relationship between family overall performance (focused on spouses) of MS married patients and on psychological indexes (hardiness, resiliency, hope): The mediation role of moral foundations and spiritual experiences". *International Journal of Biology, Pharmacy, and Allied Sciences*, 4(10), 1039-63.
- Nilsson, A., & Erlandsson, A. (2015). "The moral foundations taxonomy: Structural validity and relation to political ideology in Sweden". *Personality and Individual Differences*, 76, 28-32.
- Renner, W., & Wertz, M. (2015). "Value and Efficacy: The affective meanings of human values and their relationship to moral decisions". *International Journal of Business and Social Research*, 5(6), 44-55.
- Silvino, A. M. D., Pilati, R., Keller, V. N., Silva, E. P., Freitas, A. F. P., Silva, J. N., Lima, M. F. (2016). "Adaptation of the Moral Foundations Questionnaire to Brazilian Portuguese". *Psico-USF*, 21(3), 487-95. [Text in Portuguese].
- Simpson, A. (under review). *Moral Foundations Theory: Background, review, and scaffolding for future research*. In V. Zeigler-Hill & T.K. Shackelford (Eds.). *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*.
- Sohrabpour, G. h., Khalili, S., & Takjoo, J. (2016). "The relationships between personal values, moral foundations, religiosity and identity styles among adolescents". *Sigmund Freud University Research Bulletin*, 1, 50-73.
- Sychev, O. A., Bepalov, A. M., Prudnikova, M. M., & Vlasov, M. S. (2016). "Features of Moral Foundations in Mongol, German and Russian Adolescents". *Cultural-historical Psychology*, 12(1), 85-96. [Text in Russian].
- Vainio, A., & Makiniemi, J. P. (2016). "How are moral foundations associated with climate-friendly consumption?" *J Agric Environ Ethics*, 29, 265-83.
- Vranka, M. (2015, October). *Moral Foundations Questionnaire (MFQ) v českém prostředí*. Paper presented at the 3rd Conference of Psychological Assessment Brno, Brno, Czech Republic.
- Yalçındağ, B., Özkan, T., Cesur, S., Yılmaz, O., Tepe, B., EcemPiyale, Z., Biten, A. F., & Sunar, D. (2017). "An Investigation of Moral Foundations Theory in Turkey Using Different Measures". *Curr Psychol*.
- Yılmaz, O., Harma, M., Bahçekapılı, H. G., & Cesur, S. (2016). "Validation of the Moral Foundations Questionnaire in Turkey and its relation to cultural schemas of individualism and collectivism". *Personality and Individual Differences*, 99, 149-54.
- Zhang, Y., & Li, S. (2015). "Two measures for cross-cultural research on morality: Comparison and revision". *Psychological Reports*, 117(1), 144-66.